



| | | |
|--|--|-------------------------|
| HomePage: https://jquran.um.ac.ir/ | Vol. 54, No. 1: Issue 108, Spring & summer 2022, p.215-237 | |
| Online ISSN: 2538-4198 | Print ISSN: 2008-9120 | |
| Receive Date: 25-08-2021 | Revise Date: 30-11-2021 | Accept Date: 03-01-2022 |
| DOI: 10.22067/jquran.2022.72121.1166 | Article type: Original | |

Examining the Denotation of the Root "Asm" by using Etymology and History of Idea

Maryam Velayati Kababiyani (corresponding author), Assistant Professor, The University of Quran and Hadith

Email: mvelayati7@gmail.com

Sara Taheri, Assistant Professor, University of Islamic Denominations

Abstract

"*Ismat*" (Infallibility) is one of the keywords in the field of Imamate, and this paper aims to understand it accurately. So, concerning its root "*Asm*", lexical data in Semitic languages were studied. Moreover, regardless of Shia theological presuppositions about the formed meaning of "*Ismat*" in the later periods, this root's usages in the Quran and hadith as well as its earlier meaning and semantic evolution were examined. The findings suggest that in Semitic languages, it is used in three meanings, namely "tightening", "taking refuge", and "defending" and all of them share the concept of "protection". Also, in Hebrew and Arabic, "protection against sin" has been specifically stated. These meanings can be seen exactly in the Quranic verses too, but the meaning "taking refuge" (*iltijā*) has been used more than others. Likewise, in narrations, this root means "protection" and has been widely used for *Ahl al-Bayt* (AS) (the household of the Prophet). Also, it collocates with some words such as 'a mistake' (*Zalal*), 'filthy' (*Rijs*), 'sins' (*dhunūb*), 'crime', 'disobedience', and 'doubt'. As these examples have never been mentioned for ordinary people in the narrations, both levels of the Infallibility (protection from mistakes and sins) can be proved for *Ahl al-Bayt* (AS). Therefore, in the Quran and hadiths, this root has undergone semantic narrowing and mainly means "protection from mistakes and sins".

Keywords: Etymology, History of idea, The root "Asm", The Quranic and hadith usages



| | |
|---|--|
| سال ۵۴ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۰۸ - بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۳۷ - ۲۱۵ | HomePage: https://jquran.um.ac.ir/ |
| شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰ | شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸ |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶ |
| نوع مقاله: پژوهشی | DOI: 10.22067/jquran.2022.72121.1166 |

واکاوی دلالت ماده «عصم» با رویکرد ریشه‌شناسی و تاریخ انگاره

مریم ولایتی کبایان (نویسنده مسئول)

استادیار دانشگاه قرآن و حدیث (پردیس تهران)

Email: mvelayati7@gmail.com

سارا طاهری

مدرس دانشگاه مذاهب اسلامی

چکیده

فهم دقیق انگاره عصمت که از واژگان کلیدی حوزه امامت به شمار می‌آید، وجهه اصلی نوشتار حاضر است. این مقاله می‌کوشد با بررسی داده‌های لغوی ریشه عصم در زبان‌های سامی و ارزیابی استعمال‌های قرآنی و حدیثی آن با احتراز از پیش‌فرض‌های کلامی شیعه در خصوص معنا و مفهوم ساخت یافته عصمت در دوره‌های بعد، معنای متقدم آن و سیر تطور معنایی‌اش را بکاود. طبق یافته‌های این پژوهش در بخش مربوط به زبان‌های سامی، می‌توان سه معنای استعمالی از جمله بستن و محکم کردن، پناه بردن، دفاع و مقاومت کردن را برای ماده «عصم» در نظر گرفت که معنای اصلی یا قدر مشترک هر سه معنا، حفظ و صیانت است. در زبان عبری و عربی به حفظ از گناه و معصیت نیز به طور مشخص تصریح شده است. این معانی دقیقاً در آیات قرآن نیز قابل مشاهده است با این توضیح که معنای التجاء، از بسامد بالاتری برخوردار است. در روایات نیز کاربرد ماده در معنای حفظ را به طور بسیار گسترده برای اهل بیت (ع) شاهدیم که متعلق آن اموری چون زلزله، رجس، ذنوب، معصیت، شبهه و تردید و... است و جالب آن که مصادیق یادشده برای انسان‌های عادی هرگز در روایات مطرح نشده؛ لذا می‌توان ادعا نمود هر دو مرتبه عصمت (حفظ از خطا و گناه) برای اهل بیت (ع) قابل اثبات است. در نهایت می‌توان گفت ماده عصم در آیات قرآن و روایات دچار یک نوع تضییق معنایی شده و عمدتاً در معنای حفظ از گناه و خطا به کار رفته است.

کلیدواژه‌ها: ریشه‌شناسی، تاریخ انگاره، ماده «عصم»، کاربردهای قرآنی و حدیثی

مقدمه

از دیرباز گفتمان‌های اعتقادی شیعه‌بنیان هم چون امامت، از گفتمان‌های رایج میان شیعیان بوده است (نک: ولایتی کبایبان، ۱۳۹۹، سرتاسر اثر). یکی از انگاره‌های^۱ مهم این گفتمان که قادر است تصویری متمایز از مفهوم امامت را در تقابل با گفتمان‌هایی^۲ که می‌کوشید چهره دیگری از این مفهوم ارائه کند، انگاره عصمت است. این مفهوم از نگره‌های پرچالش حوزه امامت به شمار می‌آید که در پیدایی و چگونگی سیر ساخت یافتگی‌اش، بحث‌های فراوانی درگرفته است. این نوشتار می‌کوشد از طریق کاوش در ریشه‌شناسی واژه در زبان‌های سامی و هم‌چنین کاربردهای آن در آیات قرآن و متون حدیثی عصر حضور امامان(ع)، سیر تطور معنایی عصمت و دورانی که طی کرده تا به پختگی و ساخت‌یافتگی خود نزدیک شود را کشف نماید. در انتها و به عنوان نتیجه بحث روشن خواهد شد که ماده عصمت در کتاب‌های لغت کهن چه دلالتی داشته و در طول زمان دچار چه تحولات معنایی شده است. آیا تضییق معنایی داشته و یا توسعه معنا؟ در دوره کدام امام بیشترین توجه یا دغدغه نسبت به تبیین مفهوم عصمت مشاهده می‌شود و دلیل این توجه ویژه چه بوده است؟ مفهوم عصمت در کدامین دوره برجسته شده و در نهایت در کدام مقطع زمانی، به آن حدّ از تکامل رسیده که بتواند با قواعد و معیارهای مشخص و به صورت یک مفهوم ساخت‌یافته مورد تعریف و استناد واقع شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها که بیانگر ابهامات دلالتی حوزه عصمت است، سهمی اثرگذار در رفع آن‌ها خواهد داشت. در نخستین بخش این نوشتار، به ریشه‌شناسی ماده «عصم» می‌پردازیم.

۱. ریشه‌شناسی؛ الزامی روش‌شناختی در پژوهش‌های تاریخی

بنا به گفته برخی پژوهشگران، مباحث مربوط به سه حوزه علم، می‌تواند تاثیر شایانی بر یک پژوهش تاریخی انگاره‌ای داشته باشد (نک: گرامی، محمدهادی، ویژگی‌های رویکرد تاریخ‌اندیشه در مطالعات اسلامی؛ تاریخ‌گذاری انگاره‌ها، بخش مربوط به سه حوزه معناشناسی، ریشه‌شناسی و تاریخ مفاهیم). مبحث ریشه‌شناسی به طور مستقیم با دانش زبان‌شناسی در ارتباط است. واکاوی دلالتی معنای عصمت، به لحاظ ریشه‌شناختی، یکی از موضوعات لازم در بررسی معنای اولیه و سیر تطور معنایی آن به شمار می‌آید. ریشه‌شناسی، قدیم‌ترین معنای ریشه را برای واژه بر اساس کهن‌ترین اطلاعات ارائه می‌دهد و با کشف تحولات معنایی واژگان هم‌ریشه، می‌توان به معنای

۱. idea or theory .

۲. گفتمان‌های یادشده عمدتاً به جریان‌های تولید شده در زیرگروه‌های شیعه تعلق دارد که هر یک می‌کوشید چهره متفاوتی از مفهوم امامت را به دست دهد (نک: ولایتی کبایبان، ۱۳۹۹، ص ۲۲۰ انشعاب زیرگروه‌های شیعه).

اصلی ریشه دست یافت و سیر تطور و تحول معانی را نشان داد.^۱ نخستین کار در ریشه‌شناسی بررسی اشتقاق‌های مختلف ریشه در زبان‌های مشابه است تا از این طریق بتوان به اصیل یا دخیل بودن واژه پی برد.

۱-۱- ریشه‌شناسی واژه در زبان‌های سامی

در فرهنگ لغات زبان‌های اکدی و آشوری که در بخش شمالی حاشیه‌ای در تقسیم‌بندی زبان‌های سامی واقع شده‌اند، هرچند ریشه (asūma) (Biggs, RD. et al, 2/328) و (ašmm) (همان، ص ۸۸۱) و یا (ašm₂) (همان، ص ۸۸۲) وجود دارد، ولی هیچ‌یک گویای ماده «عصم» نیستند؛ چون معادل (صاد) در زبان عربی، همان (صاد) در زبان اکدی است (moscati, 1980, 25)؛ ولفسون، ۲۰۰۱م، ۲۸۳) با توجه به علائم IPA، /š/ معادل «صاد» است که این حرف (/š/)، در کلمه (asūma) وجود ندارد. کلمه (ašmm) نیز دارای حرف صدا دار (ء) یا همان /a/ نیست. از این رو نمی‌تواند معادل ریشه «عصم» باشد.

این ماده در برخی از شاخه‌های زبان‌های سامی مانند زبان‌های شمالی مرکزی (عبری، آرامی و سریانی) استعمال شده است. این ریشه در زبان آرامی به صورت (ܐܫܡܡ) و به معنای «فشردن» و «بستن» قابل مشاهده است. (Jastrow, 1903, 2/11). در زبان عبری، صورت‌های متنوع‌تری از این ریشه دیده می‌شود. در حالت فعلی (ܐܫܡܡ) به معنای «دفاع کردن»، «حفاظت کردن» (Gesenius, 1939, 783)؛ (ܐܫܡܡ) به معنای «بستن»، «چیزی را قوی و تقویت کردن»، «محکم کردن»، «تکثیر کردن»؛ (ܐܫܡܡ) به معنای «بستن»، «بستن در»، «قفل کردن»، «شکستن (استخوان)»؛ (ܐܫܡܡ) به معنای «نزاع کردن»، «کوشش کردن»، «مقاوت و مقابله کردن»، «قوی کردن»، «بزرگ کردن» (فرهنگ عبری-عربی، ص ۳۱۱) و در حالت اسمی (ܐܫܡܡ) عصمت به معنای «دفاع»، «پاکی از گناه» (Gesenius, 1939, 783) و (ܐܫܡܡ) به معنای «قوت»، «نیرو» (حسنین علی، مزراحی، بی تا، ۳۱۲) آمده است. لازم به ذکر است مولف کتاب *الماتقی اللغتين فی العبریه و العربیه* (مراد فرج) در هیچ یک از دو مجلد کتاب خود از این ریشه یاد نکرده است. به نظر می‌رسد تتبع او در این زمینه کافی نبوده چرا که همانطور که ملاحظه شد، این کلمه دارای مشتقات قابل توجهی در زبان عبری است. یکی دیگر از زبان‌های مهم در بخش شمالی مرکزی، زبان سریانی است، ریشه (ܫܡܡ) در این زبان به صورت (ašā) آوانگاری می‌شود و در معانی «وادار کردن»، «فشار آوردن»، «محدود کردن»، «سخت شدن» به کار رفته است (Costaz, 2002, 260).

۱. نک برای نمونه مقالات "ریشه‌شناسی تاریخی واژگان و اثر آن بر فهم مفردات قرآن"، اخوان طیبی و میرحسینی، ص ۱۱۵؛ کارکرد اجتماعی حرفه قصص در سده‌های نخستین اسلامی، یحیی میرحسینی، ص ۱۴۰.

در بخش جنوبی مرکزی، عربستان و زبان عربی است. استعمالات این زبان با توجه به گزارش‌هایی که از لغت‌شناسان کلاسیک و زبان‌عربی پس از نزول قرآن کریم برجای مانده، قابل تحلیل و بررسی است. دلالت‌های شعر جاهلی نیز از خلال همین فرهنگ‌ها قابل ارزیابی است. عموم لغت‌پژوهان عرب معنای اصلی ماده «ع ص م» را منع، امساک، حفظ و ملازمه دانسته و عصمت را واژه‌ای برگرفته از همین ریشه به معنای حفظ بنده توسط خداوند از هر بدی و شری که در آن واقع می‌شود گرفته‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۳۳۱/۴) و شواهد متعددی از آیات قرآن از جمله "لا عاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ" (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۶۹) و "سَأَيِّ إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ" (ابن منظور ۱۴۱۴، ۴۰۳/۱۲ - ۴۰۴) و کلام عرب را برای تقویت این معنا ارائه کرده و بیشتر کاربردهای آن را به همین معنا بازگردانده‌اند (فراهیدی ۱۴۰۹، ۳۱۳/۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۳۳۱/۴؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ۳۴۸/۱؛ ابن منظور ۱۴۱۴، ۴۰۳/۱۲ - ۴۰۴)؛ البته ابن منظور یادآور می‌شود که از نگاه زجاج، جبل معنای اصلی این واژه است و لذا هر چیزی که معنای تمسک در آن نهفته باشد، عصمت در مورد آن صادق است. راغب نیز به معنای امساک و تمسک اهتمام داشته و آیه "وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا" (آل عمران/۱۰۳) را به عنوان شاهد مثالی برای آن ذکر نموده است (الراغب ۱۴۱۲، ۵۷۰). برخی صورت فعلی ماده در قالب ثلاثی مجرد را به معنای منع دانسته و با استناد به کلام عرب، عبارت «عصمه الطعام» را منع کردن غذا از کسی معنا می‌کنند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴، ۳۳۱) و برخی دیگر معنای التجاء یا پناه بردن و هم چنین دفع شرّ توسط خداوند را برای آن در نظر گرفته‌اند. درباره معنای ریشه در باب‌های ثلاثی مزید نیز گفته‌اند هر گاه به باب استفعال رود به معنای بیتوته کردن است که به نوعی مفهوم التجاء و پناه بردن به یک مکان را در خود نهفته دارد (فراهیدی ۱۴۰۹، ۱، ۳۱۳؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ۴۲۳) و اگر به باب افتعال رود به معنای امتناع (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴، ۳۳۱؛ فیومی، ۱۴۱۴، ۴۱۴/۲) و یا امتساک و چنگ زدن (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ۲۴۹/۳) است. ریشه در باب افعال نیز به معنای آماده کردن چیزی برای کسی (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴، ۳۳۱) و یا سفید شدن برگرفته از «أعصم الید» به معنای کسی است که دست او سفید شده است (ازهری، بی تا، ج ۲، ص ۳۵). نکته جالب توجه در این میان اشاره جوهری، لغوی قرن چهارم، به تعبیر "وَاعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ إِذَا امْتَنَعْتُ بِالْطُّفَةِ مِنَ الْمَعْصِيَةِ" است که می‌تواند تلویحاً بیانگر این نکته باشد که تا پیش از او، عموم لغویان این واژه را با مفهوم معصیت پیوند زده‌اند و لذا شاید بتوان گفت از این دوره به بعد است که لغویان میان معنای این واژه و یک امر مذهبی هم چون معصیت پیوند برقرار می‌کنند (جوهری بی تا، ۱۹۸۶/۵). اهل لغت عربی به معانی کاربردی متعددی از ماده عصم در صورت اسمی آن نیز اشاره کرده‌اند که از آن میان می‌توان به عَصْمَةَ (قلاده) (فراهیدی ۱۴۰۹، ۳۱۴/۱؛ ابن منظور ۱۴۱۴، ۴۰۵/۱۲؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ۳۴۸/۱، عَصْمَةَ النِّكَاحِ (عقد ازدواج) (ابن منظور ۱۴۱۴، ۴۰۵/۱۲)، مِعْصَم (مچ دست) (فیومی، ۱۴۱۴، ۴۱۴/۲؛ شیبانی، ۱۹۷۵، ۲۵۲/۲)، باقی مانده هر چیز از جمله اثر حَتَّاء، قطران، خضاب و... در دست و پا که با

واژگان عَصْم، عَصْم و عَصِيم بیان شده‌اند و مفرد دو واژه نخست، عِصَام به معنای بندی است که با آن مُشک را می‌بندند (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ۱۰۷/۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۷۲/۳؛ ازهری، بی تا، ۳۶/۲)، عِصْمَة (حبل، ریسمان) (ابن منظور ۱۴۱۴، ۴۰۵/۱۲) و... اشاره کرد. چنان که ملاحظه می‌شود برخی از معانی یادشده با معنای اصلی ماده و هم چنین معانی صورت فعلی آن هماهنگ است.

در میان لغت‌شناسان، ازهری به نکته زبان‌شناسانه مهمی اشاره می‌کند و آن هم مخرج بودن حرف «م» با حرف «ب» است، که در پاره‌ای موارد موجب خلط میان دو کلمه «عصم» و «عصب» شده است. از آنجا که هر دوی این حروف از موضع واحدی و آن هم شفتین اداء می‌شود، چنین اشکالاتی رخ می‌دهد. این مسئله در حدیث ذیل قابل مشاهده است: «جبریل... جاء علی فرس اثنی یوم بَدْر و قد عَصَمَ بَثِیْتَه العُبَّازُ»، جبرئیل بر روی اسبی در شب ماه کامل نشسته بود و در حالی که اسب او با غبار محافظت می‌شد از راه رسید. قتیبی معتقد است شکل صحیح واژه، «عَصَب» است که به جای آن «عصم» استفاده شده است، در این صورت معنای جمله چنین می‌شد: «در حالی که اسب او پوشیده از غبار بود، آمد» (ازهری، بی تا، ۳۵/۲).

در میان شاخه‌های جنوبی حاشیه‌ای؛ یعنی زبان حبشی (Dillmann Lexicon) و زبان سبئی (Beeston) و زبان‌های دیگر این منطقه مانند امهری، سقطری و غیره (AKI'O NAKANO) اثری از ریشه‌ی «عصم» مشاهده نشد. هم چنین این واژه در زبان‌های جد بزرگ یعنی آفر و آسیایی (آفریقایی - آسیایی) نیز پی‌جویی شد و هیچ ریشه‌ای چه ثنایی و چه ثلاثی برای آن یافت نگردید (نک: فرهنگ اورل و استولبوا).

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در خصوص ماده «ع ص م» می‌توان گفت این واژه همان طور که آرتور جفری نیز یادکردی از آن ندارد^۱، به هیچ‌گونه وام واژه و برخاسته از زبان‌های دیگر نیست؛ بلکه ریشه در زبان‌های سامی شاخه شمالی مرکزی دارد؛ به عبارتی با زبان‌های خواهر و هم خانواده با زبان عربی مانند آرامی، عبری و سریانی هم ریشه است. از مهم‌ترین معانی آن در این زبان‌ها می‌توان به «فشردن»، «فشار آوردن»، «محدود کردن»، «سخت شدن»، «بستن و قفل کردن»، «دفاع کردن»، «حفاظت کردن»، «محکم کردن»، «چیزی را قوی و تقویت کردن»، «تکثیر کردن»، «نزاع کردن»، «کوشش کردن»،

۱. آرتور جفری در خصوص ریشه نزدیک به آن یعنی طَهَّرَ (Tahara) تصریح کرده که این ریشه به دفعات در قرآن کریم به کار رفته (۳:۳۷؛ ۵:۴۵) و به معنای پاک ساختن و پاکیزه کردن است. وی آن را عربی محض دانسته که در عین حال با ریشه آرامی طَهَّرَ به معنای پاک بودن، سریانی به معنای تابناکی و درخشندگی و عبری طָהַר به معنای پاک بودن و پاکیزه بودن قابل مقایسه است؛ اما معنای تکنیکی و خاص آن را که «طَهَّرَ دینی» باشد بی تردید متناظر از کاربردهای یهودی دانسته و یادآور شده واژه طَهَّرَ به دفعات در سفر لاویان برای پاکیزگی و طهارت عبادی و مذهبی و به ویژه در کتاب حزقیال نبی برای طهارت و پاکیزگی اخلاقی و معنوی به کار رفته و معتقد است استعمال آن در نوشته‌های رباتیان نیز همین گونه است و کاربرد قرآنی آن در آیات متاخر گاهی با کاربرد آن در نوشته‌های رباتیان همانندی دارد (جفری، ۱۳۷۲، ص ۲۹۵).

«مقاومت و مقابله کردن»، «بزرگ کردن» و «وادار کردن» اشاره کرد. در شاخه جنوبی حاشیه‌ای نیز چنان که گذشت اثری از استعمال این ریشه دیده نمی‌شود. معانی فوق در جدول زیر نمایش داده شده است.

| Language | Transliteration/transcription | Meaning(Eng) | Meaning(per) |
|-----------------|-------------------------------|--|--|
| Afroasiatic | وجود ندارد | ----- | ----- |
| AKK | وجود ندارد | ----- | ----- |
| Heb Ges,783 | לצצ לצצקה | Defend,protect,immunity from sin and error | دفاع کردن، حفاظت کردن پاکی از گناه و اشتباه |
| | | defence, | دفاع، |
| Aram | לצצ | To press;to close | فشاردن، بستن |
| Syr | ܠܥܘܟܐ | To press ;to Force; to constrain; to compel | فشار آوردن، محدود کردن، وادار کردن |
| Ethiopic(Ge'ez) | وجود ندارد | ----- | ----- --- |
| Sab | وجود ندارد | ----- | ----- --- |

نکته‌ای که لازم است در همین جا بدان اشاره شود و بعداً در بخش نتیجه‌گیری از آن استفاده گردد، نزدیکی معنای ریشه «عصم» با «طهر» است که جفری و برخی از فرهنگ‌های لغت عبری - فارسی به آن تصریح کرده‌اند؛ برای نمونه بن داوید برای واژه عصمت، معادل‌های عبری هم چون $\text{טַהַרְתָּ מִיָּדַיִן}$ (طهارت همین)، לַאֲנִיעוֹת (تسنیعوت) و קִדּוּשָׁה (کدوشا) پیشنهاد داده است (بن داوید، بی تا، ص ۷۷). טַהַרְתָּ به معنای پاک، طاهر، ناب و خالص است (حییم، ۱۳۴۴، ۱۷۲) که همراه با ... קִדּוּשָׁה معنای مقدس، مطهر و روحانی پیدا می‌کند. برای بیان مفاهیمی چون ارض موعود (زمین مقدس)، خدای مقدس، فرشته، قوم مقدس (بنی اسرائیل)، تطهیر یافتن به وسیله غسل از این واژه استفاده شده است (حییم، ۱۳۴۴، ۴۷۵). در فرهنگ‌های یادشده، واژگانی که حوزه معنایی آن‌ها با عصمت مشترک بوده و معانی آن‌ها به هم نزدیک است هم چون پاک، پارسا، طاهر و بی‌گناه نیز

مورد بررسی قرار گرفت. برای واژه بی‌گناه، معادل عبری אֲטֵמָה (تامیم) و برای واژگان پاک، پارسا و طاهر، معادل طاهر (طاهر) معرفی شده است (بن داوید، بی تا، صص ۲۰ و ۷۳) و جالب آن که برای صورت مصدری (تطهیر کردن) از معادل طهر (زکه) بهره برده که به ریشه زکی عربی نزدیک است. قدر مشترک این معانی، مفهوم پاکی و طهارت است.

۲. کاربردهای قرآنی ماده «عصم»

ماده «عصم» در ۱۳ آیه از قرآن به صورت‌های متنوع صرفی از جمله (يَعْتَصِمُ) (۱)، (اعْتَصِمُوا) (۲)، (اعْتَصِمُوا) (۲)، (يُعْصِمُكَ) (۱)، (عَاصِمٍ) (۲)، (يُعْصِمُنِي) (۱)، (عَاصِمٍ) (۱)، (فَأَسْتَعِصِمُ) (۱)، (يُعْصِمُكُمْ) (۱)، (بِعِصْمِ) (۱) به کار رفته است. سیاق در این جا نقش مهمی در فهم معنای مشتقات یادشده داشته و البته معنای آن‌ها را در ترجمه‌های مختلف نیز واکاوی نمودیم و از آن میان ترجمه‌ای را برگزیدیم که بیشترین هماهنگی را با معنای حاصل از سیاق داشته باشد. دلیل استفاده از ترجمه‌های مختلف نیز همین است. از میان کاربردهای متعدد عصم در آیات قرآن، شش آیه به معنای «حفظ کردن یا صیانت» و «پناه بردن» است؛ اول: قَالَ سَأَوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ... (هود، ۴۳) (پاینده)؛ دوم: وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ... (یونس/۲۷) (کاویان پور)؛ سوم: يَوْمَ تُولُون مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ غَافِرٍ (۳۳)؛ چهارم: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ (مانده، ۶۷) (کاویان پور)؛ پنجم: قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً رَحْمَةً (احزاب، ۱۷) (کاویان پور)؛ ششم: وَمَنْ يَعْصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هَدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (آل عمران، ۱۰۱) (یاسری). کاربرد ماده در باب افتعال نیز در چهار آیه، به معنای «بستن، چسبیدن، محکم کردن، توسل کردن و تمسک کردن» است اول: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران، ۱۰۳) که در ترجمه‌ها به معنای چسبیدن و پراکنده نشدن اشاره شده است (عاملی)؛ دوم: فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ (حج/۷۸) که اعتصام بالله را به معنای توسل بستن به خداوند دانسته است (پورجوادی). عصم در موارد سوم، و چهارم نیز به همین معنا یعنی توسل و التجاء به خداوند به کار رفته است.^۱ معنای «کنار کشیدن» و «منع کردن» از معنای

۱. نمونه‌ها را بنگرید در آیات: إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَاصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء، ۱۴۶) (پورجوادی)؛ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا (نساء، ۱۷۵) (پورجوادی).

دیگر این ریشه در قرآن کریم است، آنجا که زلیخا از تعبیر «استعصم» برای کناره‌گیری یوسف (ع) و دفع کردن خواهش زلیخا توسط او سخن می‌گوید: قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاودْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ ... (یوسف، ۳۲) که در ترجمه‌ها به معنای کنار کشیدن اشاره شده است (کاوایان پور). در ساختار اسمی نیز، معنای «طناب و وسیله ای برای بستن» که در معنای التزامی خود یعنی عقد نکاح به کار رفته در تنها یک آیه به چشم می‌خورد: وَلَا تُنْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفِرِ ... (ممتحنه، ۱۰) که منظور از عصم الکوافر را عقد ازدواج با زنان کافر دانسته است. با توجه به آیه اخیر و همنشینی واژگان «تمسکوا» و «عصم» با یکدیگر، می‌توان گفت معنای «تمسک بستن» برای «عصم» که برخی از لغویان و نیز راغب اصفهانی نیز به آن اشاره کرده‌اند، در مواردی است که عصمت با تمسک هم‌نشین نشده باشد و گرنه در صورت هم‌نشینی این دو واژه با یکدیگر می‌بایست به دنبال معنای دیگری برای ماده عصم غیر از تمسک باشیم. بنابر آن چه گفته شد، معنای ریشه «ع ص م» در قرآن کریم، عبارتند از: «حفظ کردن»، «پناه بردن»، «بستن»، چسبیدن، محکم کردن، توسل کردن»، «دفع کردن»، «طناب و وسیله ای برای بستن» که در معنای التزامی خود یعنی عقد نکاح به کار رفته است. چنان که ملاحظه می‌شود همه این معانی با یکدیگر ارتباط معنایی داشته و قدر مشترک آن‌ها مفهوم حفظ و صیانت است؛ بنابراین عصم مشترک لفظی نیست و معنایی متعدد ندارد؛ بلکه یک معنای اصلی دارد که همان حفظ است و سایر کاربردها به نوعی به همین معنا اشاره دارند.

۳. کاربردهای روایی ماده «عصم»

با توجه به رویکرد پژوهش حاضر، قاعدتاً آن چه در این بخش مدنظر خواهد بود، صرفاً کاربردهای مختلف ماده «عصم» است نه متونی که به نوعی با انگاره عصمت در ارتباط‌اند؛ برای نمونه این موضوع که راویان متقدم درباره آن دسته از ویژگی‌های انبیا که مرتبط با انجام معاصی یا تبعیت محض از خداوند و غیره است چه نظری داشته‌اند قطعاً مدنظر ما نخواهد بود؛ بلکه قصد داریم استعمالات متعدد ماده «عصم» را در میان روایات امامان به ترتیب تاریخی عصر حضور ایشان مورد بررسی قرار دهیم.

کهن‌ترین کاربرد ماده «عصم» در روایات منقول از پیامبر (ص)، به معنای اصلی آن در لغت یعنی «حفظ» اشاره دارد که هم درباره اهل بیت (ع)^۱ (حلی، ۱۴۱۱ق، ۳) استعمال شده و هم درباره انسان‌های

۱. «... أن الله - تعالی - عصم النبي وأهل بيته - عليهم السلام - من الرجس وطهرهم تطهيراً» در پاسخ به پرسش ام سلمه که آیا من هم در شمار اصحاب کساء هستم؟.

عادی^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ۲۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ۶۲؛ ابن بابویه، ۱۳۹۶ق، ۴۷؛ ابن طائوس، ۱۴۰۹ق - الف، ۶۹۱/۲؛ قاضی نعمان، ۱۳۸۵ش، ۱۹۰/۲؛ راوندی، بی تا، ۱۲؛ قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق، ۳۸۷/۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۱۸۱/۲؛ ابن طائوس، ۱۳۳۰ق، ۱۴۹؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ۷۳/۱). در موارد معدودی نیز که ماده عصم در هیئت جمع، به معنای موانع برای گناه (غیر انسان) به کار رفته، یکی از مصادیق گناهان پرده در را ظلم معرفی می کند: «الظُّلْمُ يَهْتِكُ الْعِصْمَ» (حلوئی، ۱۴۰۸ق، ۳۷).

در روایات به جامانده از امام علی (ع) نیز ماده عصم در معنای «حفظ و منع» به کار رفته است. خداوند، انسان های عادی را به واسطه اهل بیت (ع) از ضلالت، جهالت و دنیا طلبی ها حفظ می کند^۲ (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ۵۶۴/۲؛ ۵۹۸/۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۸۶/۱؛ سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ۶۲۲/۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۵۹/۱؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۱۹۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ۲۵۶/۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ۱۱۹؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ۵۶؛ طبری، ۱۳۸۳ق، ۱۴۹؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ۲۵۱/۱؛ راوندی، ۱۴۰۷، ۱۱۰؛ شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ۵۳۵. کلام ۳۴۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ۵۲۵/۱). خود اهل بیت (ع) نیز توسط خداوند مورد صیانت واقع می شوند^۳ (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ۶۰۶/۲؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ۸۳/۱؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴۷۰/۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۲۴۰/۱؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ۱۷۸؛

۱. برای نمونه به این روایات می توان اشاره کرد: «... وَ مِنْ صَامِ سَبْعَةِ أَيَّامٍ مِنْ شَعْبَانَ عَصِمَ مِنْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ دَهْرَهُ وَ عَمْرَهُ...» «مَا مِنْ شَابٍ تَزَوَّجَ فِي حَدَائِثِهِ سَنَةً إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ يَقُولُ يَا وَيْلَاهُ عَصِمَ هَذَا مِنِّي ثَلَاثِي دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثَّلَاثِ أَيَّامِي»؛ «... وَأَقْبَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ: مَا تَدْعُونَا إِلَيْهِ يَا أَخَا قَرِيشٍ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَدْعُوكُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ تَوْثُونِي وَ تَتَّصِرُونِي، فَإِنْ قَرِيشًا قَدْ ظَاهَرَتْ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَذَبَتْ رَسُولَهُ وَ اسْتَغْتَبَتْ بِالْبَاطِلِ عَنِ الْحَقِّ إِلَّا مِنْ عَصَمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهَا وَ وَقَفَهُ لِدِينِهِ وَ اللَّهُ غَنِي حَمِيدٌ» «يَحْسِبُ الْمَرْءُ مِنَ الشَّرِّ إِلَّا مِنْ عَصَمَةِ اللَّهِ مِنَ السُّوءِ أَنْ يَشِيرَ النَّاسُ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ...» که ظاهراً شکل صحیح و تصحیف نشده حدیث اینگونه است: بحسب امری من الشر ان يشير الناس إليه بأصابعهم في دينه أو دنياه، إلا من عصمه الله که در مذمت ریا و شهرت وارد شده است؛ «... وَ عَصِمَهُ مِنْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ وَ لَمْ يَكْتُبْ عَلَيْهِ خَطِيئَةَ السَّنَةِ...» در باب فضیلت خواندن دو رکعت نماز روز جمعه؛ «أَنْظُرُنْ فِي أَخْوَاتِكُنْ فَإِنَّمَا الرِّضَاعَةُ مِنَ المَجَاعَةِ يَرِيدُ مَا رَضِعَهُ الصَّبِيُّ فَصَمَهُ مِنَ الْجُوعِ».

۲. «... إِنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَارْتَدَّ النَّاسُ ضَلَالًا وَ جَهَالًا إِلَّا مِنْ عَصَمَةِ اللَّهِ بِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ / بِأَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ...» «... فَقَالَ إِنْ الْقَوْمُ ارْتَدُّوا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِأَلِ مُحَمَّدٍ...» «... وَ إِنَّمَا النَّاسُ مَعَ الْمُلُوكِ [إِنِّي] الدُّنْيَا إِلَّا مِنْ عَصَمِ اللَّهِ...» «... وَ أَمَّا الْمُؤْمِنُ فَإِنَّ نَبِيَّنَا أَخَذَ بِيَدِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَقَالَ اللَّهُمَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، فَهَلْ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنُونَ احْتَمَلُوا ذَلِكَ إِلَّا مِنْ عَصَمِهِمُ اللَّهُ مِنْهُمْ...» «... مِنْ صَلِيٍّ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ يَفْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ عَصِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ...» «أَلَا قَاوِيلٌ مَحْفُوظَةٌ وَ السَّرَائِرُ مَبْلُوءَةٌ وَ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ وَ النَّاسُ مَنْقُوصُونَ مَدْخُولُونَ إِلَّا مِنْ عَصَمِ اللَّهِ سَأَلْتَهُمْ مَتَعْتُمْ وَ مَجِيْبُهُمْ مَتَكَلَّفٌ...» در بیان عمومیت نقض برای نوع بنی بشر؛ «... فَإِنَّهُ لَا يَفْعَلُ ذَلِكَ بِمِثْلِهِ إِلَّا عَصِمَ مِنَ الشَّيْطَانِ...» در فواید خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد.

۳. «... قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع): ... مَهْتَدُونَ الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَ نَبِيِّهِ فِي آيٍ مِنَ الْكِتَابِ كَثِيرَةٍ وَ طَهَّرْنَا وَ عَصَمْنَا وَ جَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ حَجَّتْهُ فِي أَرْضِهِ وَ جَعَلْنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نَفَارِقُهُ وَ لَا يَفَارِقُنَا حَتَّى نَرُدَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَ حَوْضَهُ...» «... فَتَحْنُ أَهْلَ بَيْتِ عَصَمِنَا اللَّهُ مِنْ أَنْ نَكُونَ فِتْنَةً أَوْ كَذَّابِينَ أَوْ سَاحِرِينَ أَوْ زَيَّافِينَ فَمَنْ كَانَ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ فَلَيْسَ مِنَّا وَ لَا نَحْنُ مِنْهُ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ طَهْرَتَا اللَّهُ مِنْ كُلِّ نَجَسٍ نَحْنُ الصَّادِقُونَ إِذَا نَطَقْنَا وَ الْعَالَمُونَ إِذَا سَمِعْنَا...» «... لِأَنَّ اللَّهَ عَصَمَهُمْ وَ نَزَلَ عَصِمَتَهُمْ وَ طَهَّرَهُمْ وَ أَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ فَمَنْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ فَإِنَّمَا يَكْتُبُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»

سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ۶۷۹/۲). بر پایه برخی نقل‌ها، صیانت یادشده تقاضای خود امام از خداوند است^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۴۳۱/۱ و ۵۱۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ۳۸۲/۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ۶۶۲/۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳۴۸/۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ش، ۳۴؛ مفید، ۱۴۱۳ق-ب، ۸۲؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق-الف، ۶۴۷/۲). کاربرد عصم در معنای حفظ را درباره ملائکه^۲ نیز شاهدیم که خداوند این صنف مخلوقات را حتی از خطر درافتادن به شبهات و تردیدها در امان می‌دارد (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ۱۲۹). کاربرد ماده در معنای ریسمان ورشته^۳ (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق-ب، ۱۳۲؛ کفعمی، ۱۴۱۸ق، ۳۴۷) و هم‌چنین در هیئت جمع به معنای موانع برای غیر انسان (گناه)^۴ نیز در روایات امام علی (ع) به چشم می‌خورد (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۸۴۴/۲). در زیاراتی که برای حضرت علی (ع) با سند نامشخص ذکر شده نیز کاربرد معنای اصلی واژه دیده می‌شود^۵ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ۲۴۸).

ماده عصم در روایات به جا مانده از امام حسن مجتبی (ع) نیز در معنای حفظ به کار رفته است؛ این که خداوند مردم را از درافتادن به شک و تردید درخصوص غیبت امام زمان حفظ می‌کند^۶ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۴۰۹/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق، ۴۴۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ۵۲۸/۲). این ماده در هیئت جمع به معنای موانع برای غیر انسان (گناه) نیز به کار رفته است^۷ (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق-الف، ۸). در روایات مربوط به امام سجاد (ع)، معنای حفظ برای انسان‌های عادی به کار رفته که یا توسط خدا مورد حفظ و صیانت واقع می‌شوند^۸ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۵۰/۱۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق-ب، ۲۰۱؛ ورام، ۱۴۱۰ق، ۳۷/۲) و یا به واسطه اهل بیت (ع)^۹ (نعمانی، ۱۳۹۷ش، ۴۲؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ۱۲۳؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ۱۴۰/۳). علاوه بر کاربرد معنای اصلی ماده، برخی دیگر از کاربردهای لغوی آن از جمله

۱. «... غَفَرَ اللَّهُ لَنَا وَ لَكُمْ سَالِفَ ذُنُوبِنَا فِيمَا خَلَا مِنْ أَعْمَارِنَا وَ عَصَمَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنْ اقْتِرَافِ الْآثَامِ / الذُّنُوبِ بَقِيَّةَ أَيَّامِ دَهْرِنَا ...» «... عَصَمَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ بِالْقَوَى وَ جَعَلَ الْآخِرَةَ خَيْرًا لَنَا وَ لَكُمْ مِنَ الْأُولَى ...» «... عَصَمَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ بِالْهَدَى، وَ بَيَّنَّنَا وَ إِيَّاكُمْ عَلَى الْقَوَى، وَ اسْتَغْفِرَ اللَّهُ لِي وَ لَكُمْ ...» «... وَ اعْصَمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعَصْمِ ...».
۲. «... جَعَلَهُمُ اللَّهُ فِيمَا هُنَالِكَ أَهْلَ الْأَمَانَةِ عَلَى وَجْهِهِ وَ حَمَلَهُمْ إِلَى الْمُرْسَلِينَ وَ دَانَغَ أَمْرِهِ وَ نَهَيْهِ وَ عَصَمَهُمْ مِنْ رَبِّبِ الشُّبُهَاتِ ...».
۳. «... وَ لَا أُخْلِبْتَنِي مِنْ وَثِيقِ الْعَصْمِ ...» یعنی مرا از نگهدارنده‌های محکم خود محروم نکردی؛ «... وَ لَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ وَثَائِقَ الْعَصْمِ ...».
۴. «... اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعَصْمَ ...».
۵. «... أَشْهَدُ أَنْكُمْ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْدِيُونَ، النَّاطِقُونَ الصَّادِقُونَ، الْمُقْرَبُونَ الْمُطَهَّرُونَ الْمُعْصُومُونَ، عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ بَرَّأَكُمُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَ اتَّمَنَّاكُمْ عَلَى الْعُيُوبِ، وَ آمَنَّاكُمْ مِنَ الْفِتَنِ ...».
۶. «... إِنْ لَوْلَدِي غِيْبَةً يَرْتَابُ فِيهَا النَّاسُ إِلَّا مِنْ عَصَمِهِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ».
۷. «... وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعَصْمَ ...».
۸. «... فَلَيْسَ يَعْرِفُ تَصَرُّفَ أَيَّامِهَا، وَ تَقَلُّبَ خَالَاتِهَا وَ عَاقِبَةَ ضَرَرِ فِتْنَتِهَا إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ ...».
۹. «... فَاطِرُكَ رَسُولُ اللَّهِ صَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ أَسَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ قَالَ هَذَا حَيْلُ اللَّهِ الَّذِي مَنْ تَمَسَّكَ بِهِ عَصَمَ بِهِ فِي دُنْيَاهُ وَ لَمْ يَضِلَّ بِهِ فِي آخِرَتِهِ ...» در تبیین آیه و اعتصوما بحبل الله جميعا و لا تفرقوا.

ریسمان (رشته) و تمسک کردن نیز به چشم می خورد^۱ (الصحیفة السجادية، ۱۳۷۶ ش، دعای ۳۲، ۱۴۸؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ۱/۱۸۸؛ کفعمی، ۱۴۰۵ق، ۵۵)، در ترجمه های انگلیسی صحیفه سجاده نیز پای بندی به همین معنا دیده می شود^۲ (Al-Saheefah Al-sajjadiyah، nd, p 201). هم چنین ماده در هیئت جمع به معنای موانع برای غیر انسان (گناه) نیز به کار رفته است^۳ (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ۲۷۱؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ۲۱۳).

در منقولات امام باقر(ع) نیز روایاتی به چشم می خورد که بیانگر کاربرد ماده در معنای اصلی خود یعنی حفظ است؛ این که خداوند انسان های عادی را از مواجهه با شرور و بسیاری از خطرات و مصائب حفظ می کند^۴ (برقی، ۱۳۷۱ ش، ۳۵۱/۲؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۲۷۲/۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴۶۵/۴؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق - ب، ۱۰۵؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ۱۳۳/۲). وجود اهل بیت(ع) نیز از آسیب های مادی سایر انسان ها و هم چنین از لغزش ها و گناهان، به واسطه حفظ خداوند مصونیت می یابد^۵ (الاصول الستة عشر، ۱۳۶۳ ش، ۱۲۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴۵۵/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۲۴۵/۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۵۷/۱). ملائکه هم در امور مربوط به گناه و معصیت، مورد صیانت خداوند واقع می شوند^۶ (قمی، ۱۴۰۴ق، ۵۶-۵۷/۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ش، ۵۲/۱). بخش نخست نقل مربوط به ملائکه، ناظر به توصیف کلی ایشان و بخش دوم آن به طور خاص درباره هاروت و ماروت است که می فرماید: خداوند از طبایع انسانی در وجود آن ها قرار داد و سپس ایشان را به زمین فرستاد و در نتیجه مرتکب گناه شدند و مورد توبیخ خداوند قرار گرفتند. نکته جالب توجه در این گونه تعابیر استعمال عصم برای موقعیتی است که گناه و خطایی از سوی کسی سر زده است. روایت دیگری از امام باقر(ع) ذیل آیه اولی الامر (نساء/۵۹)، شاهد دیگری بر همین مدعا یعنی استعمال عصم برای موقعیت های خطا و گناه است. در این آیه اطاعت امامان هم پایه اطاعت از خداوند معرفی شده و امام در پاسخ به سوال مقدر یا دفع دخل مقدر که دلیل الزام آور

۱. «وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا، الْجَسِيمُ أَمَلًا، خَرَجْتُ مِنْ يَدِي أَسْبَابُ الْوَصَلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتِكَ، وَتَقَطَّعَتْ عَنِّي عَصَمُ الْأَمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ»، من آن بنده کم کار و پرازدویم که وسیله ای در دست ندارم، جز آن چه رحمت تو فراهم آورده و رشته های امیدم از هم گسیخته، جز رشته امید بخشش تو که خود بدان آویخته ام.

۲. the bonds of hopes ... except the pardon to which I hold fast.

۳. «... الذُّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ عَصَمَ شُرْبِ الْخَمْرِ وَاللَّعِبِ بِالْقَمَارِ وَتَعَاطِي مَا يَضْحِكُ النَّاسُ مِنَ اللَّغْوِ وَالزَّوْجِ وَذِكْرِ عِيُوبِ النَّاسِ وَمُجَالَسَةِ أَهْلِ الرِّيبِ...».

۴. «... اللَّهُ... عَصَمَهُ مِنَ الشَّرِّ...» در بیان خواندن دعا هنگام خروج از منزل: «... مِنْ أَعْطَى الْخَلْقَ وَالرَّفَقَ فَقَدْ أَعْطَى الْخَيْرَ وَالرَّاحَةَ وَحَسَنَ حَالَهُ فِي دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ وَمَنْ حَرَمَ الْخَلْقَ وَالرَّفَقَ كَانَ ذَلِكَ سَبِيلًا إِلَى كُلِّ شَرٍّ وَبَلِيَّةٍ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ»؛

۵. «... جعلكم اهل بيت نبيه ص و استودعكم علمه و اورثكم كتابه و جعلكم تابوت علمه و عسا عزه و ضرب لكم مثلا من نوره و عصمكم من الزلل (الذنوب) و امنكم من الفتن...»؛ «... و أخبره بأن الله عز و جل قد عصمه من الناس فأمر رسول الله عند ما جاءته العصمة مناديا ينادي في الناس بالصلاة جامعة و يرد من تقدم منهم و يحبس من تأخر...»

۶. «... و عصمهم من الذنوب ... و لما جعلت فيكم من طبع خلقي و عصمتي [عصمتي] إياكم من المعاصي...»

بودن چنین تبعیتی را بیان می‌کند، با تعبیر (و هم المعصومون المطهرون الذين لا یذنبون ولا یعضون و هم المویدون الموقفون المسددون...)، درصدد تبیین و روشنگری است (ابن بابویه، ۱۹۶۶م، ۱/۱۲۴). نکته بسیار مهم در اینجا کاربست واژه عصمت برای امام در ارتباط با آیاتی چون اولی الامر است و نه ذیل آیه تطهیر؛ به عبارت دیگر از اطاعت کشف می‌شود که امامان باید معصوم باشند چون تبعیت از خطاکار و جاهل مجاز نیست؛ بنابراین شاید بتوان گفت در این دوره انگاره عصمت ذیل گفتمان اطاعت تعریف و تبیین شده است.

در روایات امام صادق (ع) معنای اصلی ماده یعنی «حفظ و منع»، برای اهل بیت (ع) در مواردی که متعلق آن زلل است به کار رفته^۱ (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶ش، ۳۱۸) در این گونه موارد، کاربرد ماده عصم، ارتباط وثیقی با مضمون آیه تطهیر دارد. در سایر موارد، خود اهل بیت (ع) در قالب دعا از خداوند تقاضا دارند که ایشان را از اموری چون فتنه مصون بدارد و بر طاعت حفظ کند^۲ (ابن بابویه، ۱۹۶۶م، ۱/۱۱۵)؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ۳۸). انسان‌های عادی نیز یا به واسطه خداوند^۳ (مصباح الشریعة، ۱۱۴۰ق، ۲۷؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۶۸/۳؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ۱۸ و ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ۳۰۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ۲۹۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ۲۴۲؛ ابن بابویه، ۱۹۶۶م، ۶۸/۱؛ ابن طاووس، ۱۳۳۰ق، ۴۵۲؛ کفعمی، ۱۴۰۵ق، ۴۴۴) و یا به وسیله اهل بیت (ع)^۴ (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق، ۴۸۷/۳)، از ارتکاب افعال قبیح مصون می‌مانند. درباره افراد خاصی هم چون لقمان^۵ که وجهه اجتماعی دارند (قمی، ۱۴۰۴، ۱۶۳/۲؛ راوندی، ۱۴۰۹ق، ۱۹۳؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ۵۱۷/۳) و یا شیعیان امامیه که صبغه مذهبی^۶ دارند نیز کاربست ماده در معنای حفظ دیده می‌شود (ابن بابویه، بی تا، ۱۴). از فضای روایت دوم (خلیفه قراردادان لقمان بر روی زمین) چنین برمی‌آید که در سنت الهی، تحصیل جایگاه حکمرانی میان مردم،

۱. «... وَ عَصَمَكُمْ مِنَ الزَّلَلِ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ بِكُمْ تَمَّتِ النِّعْمَةُ وَ اجْتَمَعَتِ الْفِرْقَةُ وَ اتَّלَفَتِ الْكَلِمَةُ وَ لَزِمَتِ الطَّاعَةُ الْمَفْتَرَضَةَ...»

۲. «... وَ عَصَمْنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ لَطَاعَتَهُ وَ مَرْضَاتِهِ...» «... عَصَمْنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ مِنَ الْفِتْنَةِ...».

۳. «... وَ أَحْمَدُهُ وَ اشْكُرُهُ عَلَيَّ مَا جَنَّبَكَ مِنَ النَّهْوَاتِ وَ عَصَمَكَ مِنْ قَبِيحِ أَعْمَالِ الْمُجْرِمِينَ...» «... مِنْ أَعْتَصَمَ بِاللَّهِ عَصَمَهُ اللَّهُ وَ مِنْ أَقْبَلَ اللَّهُ قِبَلَهُ وَ عَصَمَهُ لَمْ يُبَالِ لَوْ سَقَطَتِ السَّمَاءُ عَلَى الْأَرْضِ...» «... فَإِنْ مِنْ أَوْثَمِنَ عَلَى أَمَانَتِهِ وَكَلَّ بِهِ إِبْلِيسَ مَائَةَ شَيْطَانٍ مِنْ مَرْدَةِ أَعْوَانِهِ لِيُضْلُوهُ وَ يُوسُوهُ إِيَّاهُ حَتَّى يَهْلِكَهُ إِلَّا مِنْ عَصَمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ...» «... بَنِي الْأَبِ إِذَا كَانَتْ أَمَهَاتِهِمْ شَتَّى لَمْ تَسْتَبْدِعِ الْعِدَاةُ بَيْنَهُمْ إِلَّا مِنْ عَصَمِ اللَّهِ مِنْهُمْ وَ إِنَّمَا تَسْتَبْدِعِ الْعِدَاةُ بَيْنَ بَنِي أُمَّ وَاحِدَةٍ...» «... مَنْ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً يَقُولُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ غُفِرَ لَهُ عِزٌّ وَ جَلَلٌ لَهُ ذَنْبُهُ فِيمَا سَلَفَ وَ عَصَمَهُ فِيمَا بَقِيَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ ذَنْبٌ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُ الْوَالِدِيَّةِ...» «... مَنْ قَرَأَهَا أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ يَوْزَنُ كُلَّ جَبَلٍ سَخَّرَهُ اللَّهُ تَعَالَى لِدَاوُدَ عَ حَسَنَاتٍ وَ عَصَمَهُ أَنْ يَبْصُرَ عَلَى ذَنْبٍ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ» در بیان فضیلت قرائت سوره صافات.

۴. «كان الناس بعد نبيهم أهل جاهلية إلا من عصم الله تعالى من أهل البيت»

۵. «... إِنْ فَعَلَ بِي ذَلِكَ أَعَانَنِي عَلَيْهِ وَ عَلَّمَنِي وَ عَصَمَنِي.»

۶. «إِنِّي نَأَعْلَمُ قَوْمًا قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ وَ رَضِيَ عَنْهُمْ وَ عَصَمَهُمْ وَ رَحِمَهُمْ وَ حَفِظَهُمْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَيْدِهِمْ وَ هَدَاهُمْ إِلَى كُلِّ رُشْدٍ وَ بَلَغَ بِهِمْ غَايَةَ الْإِمْكَانِ قَبْلَ مَنْ هُمْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَوْلَيْتَكَ شَيْعَتَنَا الْأَبْرَارَ شَيْعَةَ عَلِيٍّ.»

نیازمند تاییدات الهی و کسب توفیق از جانب خداوند به جهت دوری از ناپاکی‌ها است و این موهبتی است که خدا به انسان عطا می‌کند. عصم در روایات امام صادق (ع)، در هیئت جمع به معنای موانع برای غیر انسان (گناه) نیز به کار رفته (وَاعْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ) (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۵۷۰/۴)، هم-چنین در برخی از روایات ایشان، یکی از مصادیق گناهایی که موانع را برمی‌دارد و سبب ارتقاع آبرو می‌شود، شرب خمر معرفی شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ۲۷۰). کاربردهای دیگری از ماده «عصم» در معنای موضع دست‌بند^۱ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۶۷۹/۱۰)، ریسمان، رشته و تمسک^۲ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۶۹۶/۱۰؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق - الف، ۳۹۵/۱) نیز در روایات امام صادق (ع) به چشم می‌خورد. نکته قابل توجه در میان روایات عبارتی است که به گفته برخی از مورخان متکلم شیعی، بر روی انگشتر خاتم امام نقش بسته بود: «وَكَانَ لَهُ خَاتَمٌ نَفْسُهُ: اللَّهُ رَبِّي، عَصَمَنِي مِنْ خَلْفِهِ» (طبری آملی، ۱۴۱۳ق، ۲۴۷؛ شامی، ۱۴۲۰ق، ۶۲۱).

در روایات امام موسی کاظم (ع) نیز کاربرد معنای اصلی ماده مشاهده می‌شود. اشاره به این نکته که ولی خدا (امام معصوم) از جانب خداوند مصون از معصیت است، در روایات وجود دارد^۳ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۵۵۱/۲). سایر روایات امام به حفظ و صیانت انسان‌های عادی توسط خداوند اشاره دارند^۴ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۸۷/۳؛ کفعمی، ۱۴۱۸ق، ۱۴۸). نقل مربوط به کاربست ماده عصم در هیئت جمع به معنای موانع برای غیر انسان (گناه) (وَاعْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ) نیز در میان روایات امام وجود دارد (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق - الف، ۴۵/۱).

در گزارش‌های روایی منقول از امام رضا (ع)، استعمال ماده «عصم»، هم در معنای اصلی خود دیده می‌شود و هم در معانی کاربردی دیگر. اشاره به عصمت حضرت آدم (ع) و تصریح به این نکته که معصیت وی مربوط به پیش از نبوت ایشان بوده از موارد دسته نخست است^۵ (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ۹۰؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۱۹۲/۱). ریسمان و رشته معنای استعمالی دیگری برای ماده عصم است که در میان روایات امام به چشم می‌خورد^۶ (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۷۵۴/۲؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق - الف، ۴۶۲/۱). هم-

۱. «لَا بَأْسَ بَأَن يَنْظُرَ إِلَى وَجْهِهَا وَمَعَاصِمَهَا إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا»

۲. «... وَنَسْتَهْدِي اللَّهُ بِعِصْمِ الْهُدَى...»؛ «... وَتَقَطَّعَتْ عَنِّي عِصْمُ الْأَمَالِ وَإِنَّمَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ...»

۳. «... وَأَشْهَدُ أَنَّ وَلِيَّهِ نَطَقَ بِحِكْمَتِهِ... وَعِصْمَهُمْ مِنَ الْمَعْصِيَةِ...» در جریان مناظره فرد نصرانی با امام که در نهایت به مقام والای امام شهادت می‌دهد.

۴. «... فَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ مُقْضُونَ إِنَّمَا مِنْ عِصْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ...»؛ «... مِنْ صَلَّى أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ عِنْدَ الزَّوَالِ وَيَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ الْحَمْدَ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ عِصْمَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ وَدِينِهِ وَدُنْيَاهُ.»

۵. «... وَكَانَتِ الْمَعْصِيَةُ مِنْ آدَمَ فِي الْجَنَّةِ لَا فِي الْأَرْضِ... فَلَمَّا أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ وَجُعِلَ حِجَّةً وَخَلِيفَةً عِصْمَ، يَقُولُهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ...» در جریان مناظره علی بن محمد بن جهم با امام درباره عصمت انبیاء.

۶. «... وَلَا تَنْتَظِمُ أَسْيَابُ طَاعَتِهِ إِنَّمَا بِالْتَمَسِكَ بِعِصْمِهِ وَعِصْمِ أَهْلِ وَآلِيَّتِهِ...».

چنین ماده در هیئت جمع به معنای «موانع» برای غیر انسان (گناه) نیز به کار رفته است (وَاعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ) (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۹۶/۳).

در گزارش‌های روایی عصر امام محمدتقی (ع) نیز کاربرد معنای اصلی ماده «عصم» را شاهدیم. امام در جایگاه عبد و در مقام دعا از خداوند درخواست می‌کند خودش و دیگران را از فتنه حفظ نماید (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ق، ۶۱/۱؛ کفعمی، ۱۴۰۵ق، ۱۴۳).

در منقولات عصر امام هادی (ع)، هم‌چنان کاربرد معنای اصلی ماده «عصم» درباره اهل بیت (ع) دیده می‌شود. برابر این نقل‌ها خداوند ایشان را از زلل و ذنوب مصون داشته و از دنس پاک نموده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۶۱۱/۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲۷۴/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۹۷/۶؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ۵۲۷؛ کفعمی، ۱۴۱۸ق، ۲۹۹).

در بخشی از زیارت ناحیه مقدسه نیز کاربرد ماده عصم در معنای حفظ مشاهده می‌شود. در این نقل‌ها امام از خداوند طلب می‌کند که ایشان را از ذنوب حفظ کند^۳ (کفعمی، ۱۴۱۸ق، ۱۷۹).

تاکید صادقین (ع) و امامان پس از ایشان به انگاره عصمت با معنایی که گذشت، چنان‌که ابتدای مقاله نیز مورد اشاره قرار گرفت، در تقابل با انگاره‌ها و درصدد اصلاح پنداره‌هایی بود که توسط جریان‌های مختلف از جمله کیسانیه، زیدیه و... در سطح جامعه ترویج می‌شد و هریک سعی داشت تصویر معینی از امامت را به جامعه شیعه القا کند. از همین جا می‌توان علت مطرح نشدن مفهوم عصمت تا پیش از این دوره را دریافت؛ چرا که بافت و فضای سنت شیعی، به ضرورت این موضوع پی نبرده و بستر طرح آن مهیا نگشته بود؛ بنابراین می‌توان گفت عصمت همواره و از همان ابتدا در شمار مولفه‌های هویت بخش امامت بوده و این گونه نیست که بعدها به عنوان یکی از زیرشاخه‌های مهم این مفهوم، مطرح شده باشد.

جمع بندی

برپایه آن چه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت ماده «عصم»، وام واژه و برخاسته از زبان‌های دیگر نیست؛ بلکه ریشه در زبان‌های سامی شاخه شمالی مرکزی (آرامی، عبری، سریانی) دارد و در شاخه جنوبی

۱. «و کتب علی بن محمد التقی ع إلى بعض شیعته ببغداد- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَصِمْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ مِنَ الْفِتْنَةِ فَإِنْ تَفَعَلْ فِيهَا وَنِعْمَتْ وَ إِنْ لَمْ تَفَعَلْ فِيهِ الْهَلَكَةُ نَحْنُ نَرَى أَنْ الْجِدَالَ فِي الْقُرْآنِ بَدْعَةٌ اشْتَرَكَ فِيهَا السَّائِلُ وَالْمَجِيبُ...»؛ «... يَا مَنْ دَعَا الْمُضْطَرُونَ فَاجَابَهُمْ... وَأَطَاعُوهُ فَعَصَمَهُمْ...».

۲. «... عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ أَمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً...»؛ «... وَ أَشْهَدُ أَنْكُمْ الْأَثَمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمُعْصَمُونَ الْمَكْرُمُونَ الْمُقْرَبُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ... عَصَمَكُمْ اللَّهُ سَادَاتِي مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَأَكُمْ مِنَ الْعُيُوبِ وَ اتَّمَنَّاكُمْ عَلَى الْعُيُوبِ...».

۳. «... وَ أَعَصَمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ...».

حاشیه‌ای اثری از استعمال این ریشه دیده نمی‌شود. در شاخه آرامی به معنای فشردن و بستن است. در زبان عبری در حالت فعلی، به معنای دفاع کردن، حفاظت کردن، بستن، چیزی را تقویت کردن، محکم کردن، تکثیر کردن، قفل کردن، شکستن استخوان، نزاع کردن، کوشش کردن، مقاومت کردن و بزرگ کردن آمده است. در حالت اسمی نیز به معنای دفاع، پاکی از گناه، قوت و نیرو استعمال شده است. در شاخه سریانی، معانی وادارکردن، فشار آوردن، محدود کردن و سخت شدن برای این ماده ذکر شده است. عموم لغت پژوهان عرب نیز معنای اصلی ماده را منع، امساک، حفظ و ملازمه دانسته و عصمت را به معنای حفظ بنده توسط خداوند از هر بدی و شری معنا کرده‌اند. بیشتر کاربردهای ریشه را نیز به همین معنا بازگردانده‌اند. صورت فعلی ماده در قالب ثلاثی مجرد یا به معنای منع دانسته شده و یا به معنای التجاء (پناه بردن) و دفع شر توسط خداوند. در باب های ثلاثی مزید نیز معانی بی‌توته کردن (استفعال)، امتناع یا چنگ زدن (افتعال)، آماده و مهیا کردن یا سفید شدن (افعال) برای این ماده ذکر شده است. ریشه در صورت اسمی بر معانی قلاده، عقد ازدواج، میج دست، باقی مانده هر چیز و ریسمان اطلاق شده است.

از بررسی کاربردهای قرآنی عصم به سه معنا دست یافتیم؛ یک: حفظ کردن و پناه بردن، دو: بستن، چسبیدن، محکم کردن، توسل کردن و تمسک کردن و سه: کنار کشیدن و منع کردن. ساختار اسمی ریشه نیز تنها در یک آیه استعمال شده بود که به معنای مجازی ریسمان یعنی عقد نکاح اشاره داشت.

نکته بسیار مهمی که از واکاوی استعمالات متعدد ماده «عصم» در روایات اهل بیت (ع) قابل استخراج است، کاربرد گسترده معنای اصلی ریشه یعنی (حفظ و منع) است که گاه برای اهل بیت (ع) استعمال شده، گاهی برای انسان‌های عادی و گاه برای ملائکه. در موارد استعمال این ماده برای اهل بیت (ع)، فاعل در عموم موارد «الله» است که به واسطه قوایی چون تقوا، هدایت، حکمت و ... وجود ایشان را از رجس و ناپاکی، فتنه، کذب، سحر ذنوب، زلزله، آسیب دشمنان (پیامبر ص و آیه تبلیغ)، معصیت و ... مصون می‌دارد. به عبارتی می‌توان این‌ها را متعلق عصمت نامید. گاهی متعلق عصمت توسط خود اهل بیت (ع) به صورت دعایی از خداوند طلب می‌شود هم‌چون حفظ از آثام، ذنوب، فتنه و ... به منظور انجام طاعت و کسب رضایت الهی. برای انسان‌های معمولی نیز فاعل در عموم موارد «الله» است که به واسطه اموری چون قرائت قرآن، استغفار، تمسک به اهل بیت (ع) به ویژه امام علی (ع) و ... فرد را از آسیب‌های شیطان و جنود او، درافتادن به امور باطل، سوء، نقص، فتنه، شرّ و بلیه، دنیازدگی و اتراف، تحریف حقایق (ولایت)، از میان رفتن اهل، مال، دین و دنیا، انکار امامت حضرت حجت (عج)، بلایای دنیوی، ضلالت و جهالت، درافتادن به ارتداد بعد از رسول خدا (ص)، ارتکاب افعال قبیح، وسوسه‌های شیطان که در نهایت به هلاکت مینجامد، دشمنی و عداوت، ارتکاب ذنوبی که در آینده بدان دچار خواهد شد، اصرار بر

ذنوب کبیره و صغیره، تقصیر و کوتاهی در انجام اعمال و ... حفظ می‌کند. حفظ آدم (ع) از معصیت پس از اعطای مقام نبوت به وی نیز در همین دسته جای می‌گیرد. در مواردی نیز فاعل خود انسان است که باز به واسطه امور عبادی و غیره هم چون ازدواج، صوم، قرائت قرآن، نماز (واجب و مستحب)، دعا، تقوا، اطاعت و ... خود و دینش را از شیطان حفظ می‌کند، حفظ کودک شیرخواره از گرسنگی نیز از موارد همین دسته است. فاعل در همه موارد برای ملائکه بدون تردید خداوند متعال است که ایشان را از مواردی چون شک و تردید در امور شبهه ناک، ذنوب و ... حفظ می‌کند. به جز حفظ، معانی دیگری از استعمال ماده عصم در روایات اهل بیت (ع) دیده می‌شود که از آن میان می‌توان به موانع گناه، ریسمان و نگهدارنده های محکم الهی نام برد که همگی ناظر به گناه و معصیت بوده و در فضای معنوی درخواست اهل بیت (ع) از خداوند برای اجتناب از معاصی و خطاها مطرح شده است.

آن چه در میان روایات پیامبر (ص)، امام علی (ع)، امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و امام هادی (ع) جلب نظر می‌کند استعمال لغوی ماده به گونه‌ای است که قرابت معنایی با واژه طهارت و نیز مضمون آیه تطهیر و حدیث ثقلین دارد، بیشتر نیز در متن مقاله اشاره شد که واژه‌نامه‌های عبری، قرابت معنایی خاصی بین عصم و طهر قائل شده‌اند. نکته قابل توجه دیگر کاربست واژگانی چون رجس در روایات پیامبر (ص)، ذنوب در روایات امام علی (ع)، زلل و ذنوب در احادیث امام باقر (ع)، زلل در روایات امام صادق (ع)، معصیت در احادیث امام کاظم (ع) و ذنوب در زیارت ناحیه مقدسه است که به روشنی دلالت بر حفظ امامان توسط خداوند از هرگونه خطا، ناپاکی و معصیت دارد.

با توجه به شواهد یادشده می‌توان گفت مفهوم عصمت تصنیق معنایی داشته و پس از ظهور اسلام کاربست این واژه در قرآن و روایات به تدریج خاص حفظ و مصونیت از گناه و خطا شده، هر چند معانی دیگر هم به ندرت دیده می‌شود. بسامد بالای معنای یادشده برای ماده عصم در آیات قرآن و روایات نشان می‌دهد اهتمام بیشتری نسبت به کارکرد این معنا از سوی خداوند و اهل بیت (ع) وجود داشته؛ لذا می‌توان گفت مفهوم ساخت یافته عصمت هر چند نقطه بروز متأخری به ویژه توسط متکلمان داشته و عموم جامعه معنای حقیقی آن را در دوره های بعد درک کرده‌اند؛ اما این مسئله منافاتی با اصیل بودن دلالت حقیقی آن ندارد و نمی‌توان گفت نظریه عصمت برخاسته از اندیشه غالیان است و طی تطوراتی، به نگره‌ای ساخت یافته و تثبیت شده تبدیل گشته است؛^۱ به بیان دیگر اعمال این نوع نگاه تاریخی در متون کهن، برخلاف تصور

۱. از جمله حسن انصاری که نظر ایشان بر خلاف نظریه محسن کدیور در مقاله قرائت فراموش شده در بحث از نظریه عصمت است. در این خصوص کتاب "نخستین مناسبات فکری تشیع" از سید محمدهادی گرامی، مطالب مفیدی را در بخش مربوط به عصمت و سهو التبی ارائه داده است.

عده ای، لزوماً منجر به تغییر و تحول در مبانی فکری امامیه نخواهد شد^۱؛ بلکه نشان خواهد داد اعتقادات شیعه در یک فرآیند تدریجی شکل نگرفته^۲ و دیدگاه‌های بنیادین آن از ابتدا مشخص و معین بوده و در حقیقت تفاوت در اجمال و تفصیل آموزه‌هاست و نه در افزایش یا پیدایش اجزایی نوظهور^۳.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۴۰۴ق)، *شرح نهج البلاغه*، محقق و مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق)، *عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، محقق و مصحح: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، محقق و مصحح: محمود محمد طناحی، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم: ناشر: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، محقق و مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: بی نا.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۶ق)، *فضائل الأشهر الثلاثة*، محقق و مصحح: غلامرضا عرفانیان یزدی، قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ش)، *التوحید*، تصحیح و تحقیق: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

۱. محمد هادی گرامی در مقدمه رساله دکتری خود بخش مربوط به روش شناسی پژوهش، توضیحات مفیدی را در این خصوص ارائه داده و به این مسئله اشاره دارد که دلیل عمده عدم اقبال به رویکرد "تاریخ اندیشه" نزد عالمان مسلمان، همین دغدغه بوده است *اکفتمان های حدیثی نزد جریانهای متقدم امامیه: با رویکرد تاریخ اندیشه*، سید محمد هادی گرامی، به راهنمایی احمد پاکتچی و مشاوره مهدی ایزدی و محمود کریمی، دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق ع، دی ماه ۱۳۹۵.

۲. افرادی که معتقدند شیعه به عنوان یک مکتب فکری به صورت کامل در ابتدا تحقق پیدا نکرده و در اثر پیشامدها و حوادث بعدی رو به تکامل رفته غالباً این گونه است که میان ماهیت یک اندیشه و بسط تاریخی آن خلط کرده اند (نک نمونه ها: گرامی، سید محمد هادی؛ قندهاری، محمد، *واکاوی رابطه ی کلام و تاریخ فکر در مطالعات شیعه شناسی*، پیشین، ص ۱۶۲) و یا این که خواسته اند صرفاً با بررسی های تاریخی که به نوعی "مردم شناسی تاریخی" است، فهم متدینین را عین دین بشمارند، وجود درکی ناقص از مفهوم امامت، حتی در میان باورمندان به آن، از حقایقی است که نمی توان آن را انکار نمود (مودب، سید رضا؛ احمدی، محمد حسن، «*تاملی در نظریه ی تطور امامت در اندیشه ی شیعی*»، شیعه شناسی، تابستان ۸۸، شماره ی ۲۶، صص ۱۱۲ - ۱۱۴).

۳. مطهری، مصطفی، *نقش عناصر تاریخی در تبیین عقاید اهل بیت^۱*، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۴ ش، چاپ اول، ص ۱۷.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دار الشریف الرضی للنشر.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، *إعتقادات الإمامیه*، قم: کنگره شیخ مفید.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۹۶۶م)، *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری.

ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا)، *فضائل الشیعه*، تهران: نشر علمی.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ائمه علیهم السلام*، قم: نشر علامه.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۶۹ق)، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم: دار بیدار للنشر.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۳۰ق)، *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*، قم: دار الرضی.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق-الف)، *إقبال الأعمال*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق-ب)، *الأمان من أخطار الأسفار والأزمان*، محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ق-الف)، *المجتبی من الدعاء المجتبی*، محقق و مصحح: ابوطالب کرمانی و محمد حسن محرر، قم: دار الذخائر.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ق-ب)، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، محقق و مصحح: ابوطالب کرمانی و محمد حسن محرر، قم: دار الذخائر.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: هارون، عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، *عده الداعی و نجاح الساعی*، محقق و مصحح: احمد موحّدی قمی، بی جا: دار الکتب الإسلامیه.

ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، *کامل الزیارات*، محقق و مصحح: عبدالحسین امینی، نجف: دار المرتضویه.
ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، *المزار الکبیر*، محقق و مصحح: جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.

اخوان طیبی، محمد حسین و میرحسینی، یحیی (۱۳۹۵)، «ریشه شناسی تاریخی واژگان و اثر آن بر فهم مفردات قرآن؛ مطالعه موردی ریشه قسط»، *پژوهشنامه تفسیر و زیان قرآن*، شماره ۸.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*، محقق و مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی

هاشمی.

- ازهری، محمد بن احمد (١٤٢١ق)؛ **تهذیب اللغة**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- استرآبادی، علی (١٤٠٩ق)؛ **تأویل الآيات الظاهرة في فضائل المعترّة الظاهرة**، محقق و مصحح: حسین استاد ولی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (١٣٧١ش)، **المحاسن**، تصحیح و تحقیق جلال الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامیة.
- بن داوید (شادی)، ی (بی تا)، **فرهنگ فارسی - عبری**، تهران: انجمن کلیمیان.
- پاینده، ابوالقاسم (بی تا)، **ترجمه قرآن کریم**، تهران: جاویدان.
- پورجوادی، کاظم (١٤١٤ق)، **ترجمه قرآن کریم**، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.
- جفری، آرتور (١٣٧٢)، **واژه های دخیل در قرآن مجید**، ترجمه فریدون بدره ای، بی جا: انتشارات توس.
- جمعی از علماء (١٣٦٣ش)، **الأصول الستة عشر**، قم: دار الشبستری للمطبوعات.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا)، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة**، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٢٥ق)، **اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات**، بیروت: اعلمی.
- حسینی علی، فواد؛ مزراحی، فیلکس (بی تا)؛ **قاموس عبری - عبری**، بی جا: بی نا.
- حلوانی، حسین بن محمد (١٤٠٨ق)، **نزہة الناظر و تنبیه الخاطر**، محقق و مصحح: مدرسة الإمام المهدي عج، قم: مدرسة الإمام المهدي عج.
- حلی، حسن بن یوسف (١٤١١ق)، **كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام**، محقق و مصحح: حسین درگاهی، تهران: وزارت ارشاد.
- حییم، سلیمان (١٣٤٤)، **فرهنگ عبری - فارسی**، تهران - اسرائیل: برادران القانایان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (١٤١٢ق)، **مفردات ألفاظ القرآن**، محقق و مصحح: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق، دار القلم - الدار الشامیة.
- راوندی کاشانی، فضل الله بن علی (بی تا)، **التوادر**، محقق و مصحح: احمد صادقی اردستانی، قم: دار الکتب.
- راوندی، سعید بن هبة الله (١٤٠٧ق)، **الدعوات**، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
- راوندی، سعید بن هبة الله (١٤٠٩ق)، **قصص الانبياء**، به کوشش غلامرضا عرفانیان، مشهد: مرکز پژوهش های اسلامی.
- زیبیدی، محمد (١٤١٤ق)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، محقق و مصحح: هلالی علی و علی سیری، بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (١٤١٧ق)؛ **الفاائق في غريب الحديث**، محقق و مصحح: شمس الدین، ابراهیم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- زمخشری، محمود بن عمر (١٩٧٩م)؛ **أساس البلاغة**، بیروت: دار صادر.
- شرف الرضی، محمد بن حسین (١٤١٤ق)، **نهج البلاغه**، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت.
- شیبانی، محمد بن حسن (١٩٧٥م)؛ **کتاب الجیم**، محقق و مصحح: ابراهیم آبیاری، قاهره: الهيئة العامة لشئون المطابع

الامیریه.

صاحب بن عباد، إسماعیل (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، محقق و مصحح: محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الكتاب. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، محقق و مصحح: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، محقق و مصحح: محمد باقر خرسان، مشهد: نشر مرتضی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: نشر اسلامی.

طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق)، *مشکاة الأنوار*، نجف: المکتبه الحیدریه.

طبری آملی، محمد بن ابی القاسم (۱۳۸۳ق)، *بشارة المصطفی لشعبة المرتضی*، نجف: المکتبه الحیدریه.

طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق)، *دلائل الإمامة*، محقق و مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم: نشر بعثت.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، محقق و مصحح: حسن الموسوی خرسان، تهران: دار الكتب الإسلامیه.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتهدجد و سلاح المتهدجد*، بیروت: مؤسسة فقه الشیعه.

عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ش): *ترجمه قرآن کریم*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.

علی بن الحسین (۱۳۷۶ش)، *الصحیفة السجادية*، قم: الهادی.

علی بن الحسین (۱۳۹۱ش)، *الصحیفة السجادية*، ترجمه محمد مهدی رضایی، قم: دفتر نشر معارف.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ش): *التفسیر*، محقق و مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیه.

فاریاب، محمدحسین، "بازخوانی براهین عقلی متکلمان امامیه بر عصمت امام تا پایان قرن پنجم هجری"، *اندیشه نوین دینی*، پاییز ۱۳۹۱، سال ۸، شماره ۳۰.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش)، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم: انتشارات رضی.

فرات کوفی (۱۴۱۰ق)، *التفسیر*، محقق و مصحح: محمد کاظم، تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.

فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق): *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم: موسسه دار الهجرة.

قاضی نعمان (۱۳۸۵ش)، *دعائم الإسلام*، محقق و مصحح: آصف فیضی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.

قاضی نعمان (۱۴۰۹ق)، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*، محقق و مصحح: محمد حسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *التفسیر*، محقق و مصحح: طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب.

کاویانپور، احمد (۱۳۷۸ش)، *ترجمه قرآن کریم*، تهران: اقبال.

- کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ق)، *المصباح*، قم: دار الرضی (زاهدی).
- کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸ق)، *البلد الامین و الدرع الحصین*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم: دارالحدیث.
- گرامی، سیدمحمد هادی (۱۳۹۱)، *نخستین مناسبات فکری تشیع*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ع.
- گرامی، سیدمحمد هادی (۱۳۹۵)، *گفتمانهای حدیثی نزد جریانهای متقدم امامیه: با رویکرد تاریخ اندیشه*، راهنمای احمد پاکتچی و مشاوره مهدی ایزدی و محمود کریمی، دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق ع.
- مراد فرج، المحامی (۱۹۳۶م): *ملتی اللغتين العبرية والعربية*، اسکندریه: مطبعة السفير.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق-الف)، *الإختصاص*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمي لالفیة الشيخ المفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق-ب)، *الأمالی*، محقق و مصحح: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید.
- منسوب به امام صادق (ع) (۱۴۰۰ق)، *مصباح الشریعة*، بیروت: بی نا.
- میرحسینی، یحیی (۱۳۹۳)، «کارکرد اجتماعی حرفه قصص در سده های نخستین اسلامی؛ کوششی برای تحلیل زبان شناسانه تاریخ یک انگاره»، *صحیفه مبین*، شماره ۵۶.
- نعمانی، محمد (۱۳۷۰ش)، *الغیبة*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس*، تحقیق انصاری زنجانی و محمد خوئی، قم: الهادی.
- ورام بن ابی فراس، مسعود (۱۴۱۰ق)، *مجموعه ورام*، قم: مکتبه فقیه.
- ولایتی کبایان، مریم (۱۳۹۹)، *گفتمان های تفسیری شیعه در کوفه در دو قرن نخست هجری*، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- ولفسون، اسرائیل (۲۰۰۱م): *تاریخ اللغات السامیة*؛ بیروت: دار القلم.
- یاسری، محمود (۱۴۱۵ق): *ترجمه قرآن کریم*، تحقیق: مهدی حائری تهرانی، قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج).
- AKI'O NAKANO (1986); *COMPARATIVE VOCABULARY OF SOUTH ARABIC - MAHRI, GIBBALI, AND SOQOTR*, TOKYO.
- Beeston, A.F.L. et al, (1982); *Sabaic Dictionary (English-French-Arabic)*; Louvain, Peeters.
- Biggs, R.D. et al, (1999); *The Assyrian Dictionary of the Oriental*, Chicago, University of Chicago Press.
- Costaz, L.J, (2002); *Dictionnaire Syriaque-Français/ Syriac-English Dictionary*, Beyrouth, Dar el-Machreq.
- Dalman, G.H, (1901); *Aramäisch-Neuhebräisches Wörterbuch zu Targum*, Talmud und

Midrasch; Frankfurt, M.J. Kauffmann.

Dillmann, A (1865); *Lexicon Linguae Aethiopiae*, Lipsiae; T.O. Weigel.

Gesenius, William, (1939); *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F.A. Brown, Oxford.

Imam Ali Ibnul Husain (a.s.), (nd), *Al-Saheefah Al-sajjadiyyah Al-kaamelah*, translated with an introduction and annotation by: Willian C. chittick, with a foreword by: S. H. M. Jafri, np.

Jastrow, M., (1903); *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi, and the Midrashic Literature*, New York; G.P. Putnam's Sons.

Moscatti, S, (1980); *An Introduction to the Comparative Grammar of the Semitic Languages; Phonology and Morphology*, Wiesbaden, Otto Harrassowitz.

Orel, V.E. and Stolbova, O.V, (1995), *Hamito-Semitic Etymological Dictionary, Materials for a Reconstruction*, Leiden, E.J. Brill.

